

درآمدی بر مسئله‌شناسی تحلیلی در سیاست‌گذاری شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهرهای معین کشور)

یوسف مسلمی مهنی^۱

استادیار سیاست‌گذاری عمومی و عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

علی ایلخانی پورنادری

عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

حمیده افشارمنش

دانش‌آموخته دکتری جغرافیای شهری و پژوهشگر ارشد معاونت برنامه‌ریزی شهرداری کرمان

نغمه صدقی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

چکیده

مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری شهری یکی از مهارت‌های ضروری جهت اتخاذ تصمیمات صحیح و انجام اقدامات عملی جهت رفع مسائل و مشکلات شهری است. مسأله محوری در سیاست‌گذاری شهری دولت‌ها را بر آن داشته است که با احصاء مسائل و مشکلات شهری اولویت‌دار به تعمق حکمرانی خوب شهری کمک‌شایانی نمایند. شهرهای جهان درگیر مسائل و مشکلات عدیده‌ای هستند که این مسائل از ابعاد گوناگونی برخوردارند. دولت‌ها به ناچار فرصت کافی جهت پرداختن به همه حوزه‌ها برخوردار نمی‌باشند. سیاست‌گذاری شهری یکی از حوزه‌های کاربردی و بین‌رشته‌ای است که به دولت‌ها در پرداختن به مشکلات اصلی شهری مدد رسانده است. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ مناسب به این سوال است که سیاست‌گذاری‌های مقتضی و مناسب با هر کدام از مسائل کلان‌شهرها کدام است. مسائل عمده سیاست‌گذاری شهری شامل فقر شهری، زنان شهری، عدالت شهری و جنسیت شهری و ... مسائل است که هر کدام از این حوزه‌ها با روش مسئله‌شناسی تحلیلی در سیاست‌گذاری قابل تحلیل و بررسی است. مسئله‌شناسی تحلیلی در سیاست‌گذاری شهری با تبدیل شدن شهرها از مکان‌هایی کوچک و کم‌شمار در گذشته به مکان‌هایی بزرگ و کلانشهر توجه بیشتر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هر کدام از کلان‌شهرهای در مناطق مختلف کشور با توجه به اهمیت و جایگاه منطقه‌ای خود از مسائل و مشکلات خاصی برخوردارند که نیازمند مسئله‌شناسی و سیاست‌گذاری‌های ویژه همان شهر است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز به کمک اسناد درجه دوم، اسناد کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع معتبر، به اهمیت مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری شهری پرداخته است.

کلیدواژه‌گان: سیاست‌گذاری شهری، تحلیل مسئله، مسئله‌شناسی تحلیلی، مسائل کلان شهری.

مقدمه

شهر نشینی سابقه ای همزاد با تاریخ ملت‌ها داشته است. رشد شتابان جمعیت جهان که ۹۶ درصد آن در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد، شهرها را از ابعاد مطلوب انسانی خارج کرده است. طبق پیش بینی‌های سازمان ملل متحد، تا سال ۲۰۱۰ میلادی، ۵۱۱ شهر جهان هر یک بیش از یک میلیون نفر جمعیت داشته و برای نخستین بار بیش از پنجاه درصد جمعیت جهان در شهرها سکنی گزیده اند. به طور خلاصه طی ۲۰ سال آینده نواحی شهری جهان می‌بایست حدود یک میلیارد سکنه اضافی را در خود جای دهد به دلایل فوق و افزایش سریع جمعیت شهرها و شهر نشینی میزان آسیب پذیری زندگی به شدت افزایش می‌یابد که بی توجهی به آن اثرات زیان باری را برای شهر و افراد به وجود می‌آورد (Tavassoli, 1393: 30). بدین ترتیب برای درک واقعیت اطراف و به سامان کردن امور، سیاستی نیاز است تا مبتنی بر واقعیت و دانش باشد، در این راستا سیاست‌گذاری چارچوبی را مشخص میکند که در آن از اقدامات دولت برای دستیابی و رسیدن به اهداف عمومی استفاده می‌شود و در آن از شهر به عنوان عرصه ای برای سیاست‌گذاری یاد می‌شود.

بسیاری از تحلیلگران علوم سیاست‌گذاری معتقدند، شناخت فرایندهای سیاست‌گذاری، بنیادهای معرفتی و نظری حاکم بر این عرصه، ابزارها، تاکتیک‌ها و روش‌ها، به کنشگران و محققان کمک می‌کند تا به گفته دیوید ایستون^۱ به «جعبه سیاه سیاست‌گذاری‌ها» دست یابند. سیاست‌گذاری واژه ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده است و تداعی کننده اقدام عمومی دولت در اداره صحیح امور عمومی است. سیاست‌گذاری حوزه‌های متعدد و گسترده ای را شامل می‌شود، در یک جامعه، کار سیاست‌گذار به سامان کردن کلیه امور از سوی نهادهای عمومی است. یکی از این حوزه‌های با اهمیت و دارای جایگاه خاص سیاست‌گذاری شهری است. سیاست‌گذاری شهری، شاخه‌ای از دانش سیاست‌گذاری عمومی است و این امکان را در اختیار سیاست‌گذاران شهری قرار می‌دهد تا نسبت به نقشه‌ی سیاست‌گذاری و نیز شبکه سیاست‌گذاری در شهر، آگاهی یابند (Jajromi, 1389: 108).

امروزه با توجه به اهمیت و ضرورت سیاست‌گذاری شهری این مقوله از سوی اندیشمندان و نویسندگان به خوبی مورد توجه و شناسایی قرار گرفته اینک پژوهش حاضر در صدد است تا با تأکید بر شناخت مسئله به عنوان گام آغازین فرآیند سیاست‌گذاری مسائل عمده و اصلی در سیاست‌گذاری شهری را شناسایی کند. اندیشمندان لازمه سیاست‌گذاری در حوزه شهر را شناخت دقیق و صحیح مسائل شهری می‌دانند. در همین راستا، سیاستمداران و برنامه‌ریزان توسعه شهری در گام نخست باید مبادرت به شناخت مسائل و فرایندهای لازم و مناسب جهت سیاست‌گذاری کنند که این امر مهم در قالب تحقیقات و نوشته‌هایی از این دست ظاهر می‌گردد. در راستای این امر، هدف اصلی این نوشتار، شناسایی مسائل عمده و اصلی در سیاست‌گذاری شهری از منظر سیاست‌گذاری عمومی است. هیچ شهری به خودی خود نمی‌درخشد و نمونه نمی‌شود، درخشش و موفقیت شهرها حاصل فرآیندهای پیچیده سیاست‌گذاری در زمان طولانی است. سیاست‌گذاری پدیده ای در خلاء نیست بلکه تحت تاثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، در سطح ملی و محلی هنجاری، فرهنگی و شرایط بین‌المللی قرار دارد. زمانی

¹ David Easton

که این عرصه‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، در چهره یک محیط تعیین کننده ظاهر می‌شوند که حاصل آن، ملاحظه جدی گزینه‌های سیاسی در امکان سنجی انتخاب سیاست‌های مناسب است (Malek Mohammadi, 1385: 88). تا پیش از پیدایش علم سیاست‌گذاری عمومی^۱، مطالعات سیاسی به تمرکز در زمینه‌های هنجاری و اخلاقی دولت و نهادهای سیاسی محدود شده بود. پژوهشگران با مطالعه آثار سیاسی بزرگان فلسفه غرب در جست و جوی شناخت اهداف دولت و وظایفش در هدایت شهروندان به زندگی بهتر بودند. این پژوهش‌ها به توسعه و تکمیل مباحثی چون طبیعت جامعه، نقش دولت، حقوق و مسئولیت‌های شهروندان و دولت‌ها منتهی شد. گرچه پیدایش این علم ریشه در آثار لاسول و همکارانش^۲ در اوایل دهه پنجاه میلادی دارد، اما نهادینه شدن و گسترش این رشته در اواسط دهه شصت آغاز شد (Qolipour and Gholampour Ahangar, 2010: 11). برای تعریف سیاست‌گذاری عمومی هیچ تعریف واحدی وجود ندارد و میتوان آن را به عنوان چارچوب کلی در نظر گرفت که در آن اقدامات دولت برای رسیدن به اهداف عمومی، طراحی شده است و سیاست‌ها، برنامه‌های عملیاتی هستند که در پاسخ به یک مشکل درک شده ایجاد می‌شوند به طور کلی میتوان از سیاست‌گذاری عمومی به عنوان قلب، روح، وهویت دولت‌ها یاد کرد (Cochran, Malone, 2014: 4).

چهار دیدگاه گسترده که در رابطه با مفهوم سیاست‌گذاری عمومی وجود دارد:

- ۱- سیاست‌گذاری عمومی یک دوره عملی است که برای رسیدن به هدف طراحی شده است.
 - ۲- سیاست‌گذاری عمومی یک تخصیص مقتدرانه از طریق فرآیند سیاسی ارزش‌ها به گروه‌ها یا افراد در جامعه است و یا به تعبیر دیگری سیاست عمومی یک رهنمود برای عمل است.
 - ۳- سیاست عمومی، فعالیتی هدفدار است، که به سمت تحقق اهداف مورد نظر عمل می‌کند (Marume, 2016: 10).
- فرآیند سیاست‌گذاری فرآیندی است که برای متعادل کردن راه‌حل‌های مختلف که جنبه‌های مختلف یک دسته از مشکلات را نشان می‌دهند استفاده می‌شود (malissa, louise, 2012). ادبیات سیاست‌گذاری عمومی چه در کشور ایالات متحده آمریکا و چه در فرانسه غالباً نظر تحلیل‌گر سیاست‌گذاری عمومی را به اهمیت مشکلات و مسائلی که پایه و اساس خط و مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان را تشکیل می‌دهد جلب می‌کند. در واقع شکل و ساختار مسئله تعیین کننده روش راه‌حل‌یابی و تصمیم‌گیری در خصوص مواجهه با آن است و از این رو پرداختن و جهت دادن به آن از فعالیت‌های اساسی دست‌اندرکاران و متخصصان سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. (Vahid, 1388: 71).

پنج عامل کلیدی که منجر به سیاست‌گذاری عمومی می‌شود:

- ۱- ظهور مشکلی که نیاز به توجه مردم و تصمیم‌گیرندگان دارد.
- ۲- قرار دادن این مشکل در دستور کار دولت برای یافتن یک راه‌حل
- ۳- فرموله کردن راه‌حل‌های جایگزین برای حل مشکل
- ۴- اتخاذ یک سیاست
- ۵- پیاده‌سازی و ارزیابی سیاست (fischcer, miller, Sidney, 2007: 4)

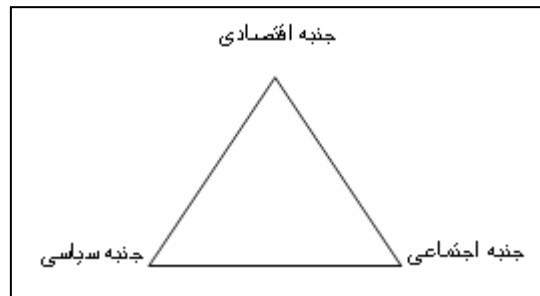
¹ Public policy science

² Harold Laswel and et al

به لحاظ هدف، پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های کاربردی است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و با استفاده از جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز به کمک اسناد انتشار یافته درجه دوم، اسناد کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع و متون معتبر لاتین و فارسی، به موضوع مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری شهری پرداخته است.

رویکرد سیاست‌گذاری شهری

شهرها و مناطق شهری در خلا وجود ندارند. یک سیاست شهری ملی باید در میان مناطق شهری، منطقه‌ای و روستایی در نظر گرفته شود. سیاست‌ها باید به ویژه با توجه به توسعه زیرساخت‌ها و مدیریت خدمات اکوسیستم (زمین و آب، مورد توجه قرارگیرند. سیاست شهری یک سیاست مقطعی نیست و نباید در تضاد با سیاست روستایی باشد. سیاست شهری ملی به عنوان یک شاخص، نقش شهرها در توسعه پایدار را تقویت می‌کند و سهم مهمی در دستیابی به اهداف دارد (Joan Clos, 2017: 28). سیاست شهری یک فعالیت مفهومی و سیستماتیک از سوی یک مرجع عمومی با هدف توسعه شهرها است (Principles of Urban Policy, ministry for regional development, of the Czech republic, 2010). زندگی انسان امروزی با وضعیت شهر گره خورده است و بسیاری از شئون حیات آدمی، آگاهانه یا ناآگاهانه، متأثر از وضعیت این سکونتگاه است. در شهرهای امروزی، سازوکارهای سنتی هماهنگی و همکاری، جای خود را به سازمان‌های بوروکراتیکی مانند شهرداری می‌دهند. این سازمان جدید، در نبود یا سازوکارهای سنتی، وظیفه‌ی تأمین کالاهای عمومی شهری مانند بهداشت و نظافت همگانی و حمل و نقل عمومی را انجام می‌دهد. از این رو، یکی از نیازهای جامعه‌ی شهری امروز، بهبود مدیریت شهر است. مدیریت شهری زمانی می‌تواند عملکرد مناسبی داشته باشد که در چارچوب سیاست‌های شهری صحیح و اندیشیده شده حرکت کند (Jajromi, 1389: 108). سیاست‌گذاری شهری به عنوان یکی از زیرشاخه‌های سیاست‌گذاری عمومی در چند دهه اخیر در برنامه‌ریزی‌های توسعه در شهرها، اهمیت بسیاری یافته است و این امکان را در اختیار سیاست‌گذاران شهری قرار می‌دهد تا نسبت به نقشه‌ی سیاست‌گذاری و نیز شبکه سیاست‌گذاری در شهرآگاهی یابند (مجید وحید، ۱۳۸۷: ۲۹۰). در سیاست‌گذاری شهری سه عامل پایه را به عنوان مثل بهینگی یاد می‌کنند که از ماهیتی سه جانبه برخوردارند. جنبه اقتصادی که رأس رقابت (comptition) را به خود اختصاص می‌دهد، جنبه اجتماعی که رأس همبستگی (cohesich) را تشکیل می‌دهد و جنبه سیاسی که نام مدیریت پاسخگو (responsible government) را بر رأس سوم می‌نهد. در اینجا آنچه از کاربست مثلث بهینگی در سیاست‌گذاری شهری انتظار می‌رود، ارئه‌نگاهی منسجم همراه با مدیریتی یکپارچه به شیوه عملکردی در شهرها است (Malek Mohammadi, 1389: 291). برای جلوگیری از ابهام این مطلب حائز اهمیت است که سیاست‌گذاری مربوط به آنچه که دولت‌ها در امور شهری انجام می‌دهند یا تصمیم به انجام آن دارند از سوی دیگر سیاست‌گذاری شهری عمدتاً مربوط به اراده دولت‌ها و جنبه‌های عملیاتی و اجرایی می‌باشد.



آغاز سیاست‌گذاری شهری

طبق گفته پارسک ۲۰۱۰، به طور واضح مشخص کردن دوره زمانی که مقامات محلی، منطقه ای و ملی شروع به اجرای آنچه که امروزه به عنوان سیاست‌گذاری شهری درک می‌کنیم، دشوار است. ولی این امکان وجود دارد که دهه ۱۹۸۰ را آغازگر سیاست‌گذاری شهری مستقل بدانیم. این رویکرد ابتدا در آمریکا و سپس در غرب اروپا و کشورهای دیگر، مجموعه‌ای از اقدامات برای غلبه بر مشکلات در شهرهای بزرگ اتخاذ کرد. امروزه می‌توان از این فعالیت‌ها به عنوان آغاز کار و اجرای سیاست‌گذاری مستقل شهری نام برد. (PARYSEK, 2010)

محققان و تحلیل‌گران سیاست‌گذاری شهری از دو منظر، مدیریت شهری را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند. در یک سو کسانی قرار دارند که مدیریت شهری را تنها نماد و مسئول رسیدگی به تمامی امور این حوزه می‌دانند. از نگاه این گروه که قائل به الگوی حکومت (government) هستند، مدیریت شهری امری صرفاً سیاسی و زیر مجموعه دولت و حکومت است. در مقابل طرفداران حکمرانی (governance) قرار دارند که اداره امور شهر را بین سه حوزه شهر داری، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم می‌کنند. باور این گروه این است که هر یک از نهادهای یاد شده، بخشی از منابع مورد نیاز برای ارتقاء سیاست‌گذاری‌های شهری را فراهم می‌آورد (Teeyeh, 1396: 125).

سطوح سیاست شهری

چندین شکل کلی از سیاست شهری وجود دارد که عبارتند از:

- سیاست شهری ملی

سیاست شهری ملی شامل سیاست‌هایی است که برای هدایت رشد شهری و تغییر در مقیاس ملی یعنی بین مناطق شهری طراحی شده‌اند. منشا سیاست شهری را می‌توان در وهله اول به سطح ناهموار توسعه اقتصادی اجتماعی شهرها رسم کرد. این تفاوت‌ها ناشی از عوامل مختلفی است: موقعیت جغرافیایی، شرایط طبیعی، گذشته تاریخی، ساختار فضایی شهرها، ساختار اقتصادی و سطح توسعه آن، توابع غالب... هدف سیاست شهری ملی باید حذف نابرابری‌ها در سطح توسعه اجتماعی، و به ویژه بهبود شرایط زندگی ساکنان و کیفیت زندگی، در وهله اول به وسیله مقررات قانونی و حمایت مالی باشد.

سیاست شهری در سطح منطقه ای

سیاست شهری منطقه ای: از سیاست‌هایی برای هدایت رشد شهری و تغییر در مقیاس شهری یا شهری، به عنوان مثال در مناطق شهری تشکیل شده است. این سیاست اساساً باید شامل اجرای سیاست شهری ملی در یک منطقه مشخص باشد. بنابراین باید به عنوان پلی بین این سیاست و سیاست داخلی (داخلی) هر شهر عمل کند. در این

زمینه، یک جز مهم از سیاست شهری در سطح منطقه ای باید نقش شهرها در نظام منطقه ای اسکان، در اجرای استراتژی توسعه اقتصادی - اقتصادی منطقه، و همچنین در راستای توسعه فضایی آن و همچنین تعیین راه‌هایی برای حمایت از توسعه شهری و حل مشکلات موجود باشد.

سیاست شهری در سطح محلی

سیاست شهری محلی: در برخی از کشورهای فدرال ممکن است یک سطح مداخله در سیاست در سطح ایالتی یا استانی وجود داشته باشد. این سیاست نقش ویژه ای در اجرای سیاست شهری ایفا می‌کند. در حقیقت، این مهم ترین سطح اجرای آن است چرا که در اینجا تمرکز بر روی یک شهر و مشکلات آن است.

سیاست‌های غیرمستقیم شهری

سیاست‌های بسیاری وجود دارند که به طور غیر مستقیم بر بازسازی شهرها تاثیر می‌گذارند، این سیاست‌ها شامل موارد زیر هستند:

سیاست‌های مکان صنعتی از جمله تصمیمات برای حمایت از صنایع خاص یا توسعه هزینه‌های عمومی خاص، که تاثیر فضایی افتراقی در میان شهرها و مناطق دارد. سیاست‌هایی که منجر به نقل و انتقالات درون دولتی می‌شوند به نفع برخی از مناطق شهری در بالای دیگر عمل می‌کنند. سیاست‌های حمل و نقل می‌تواند اثرات قابل توجه بر بهبود عملکرد شهری داشته باشد (Sabah Faihan, 2014: 61).

اصول سیاست‌گذاری شهری

- اصل اول: توسعه شهری و توسعه منطقه ای جدا از یکدیگر نیستند. شهرها مجموعه‌هایی همگرا از مناطق و مراکز توسعه منطقه ای هستند.

- اصل دوم: توسعه چند مرکزی الگوی جمعیتی. یک اصل مهم از توسعه الگو جمعیت توسعه چند مرکزی است که این چند مرکزی جمعیتی از طریق به کار گیری و ایجاد یکسری سیاست‌های خلاقانه اتفاق خواهد افتاد.

- اصل سوم: رویکرد همگرا و بلند مدت به توسعه شهری.

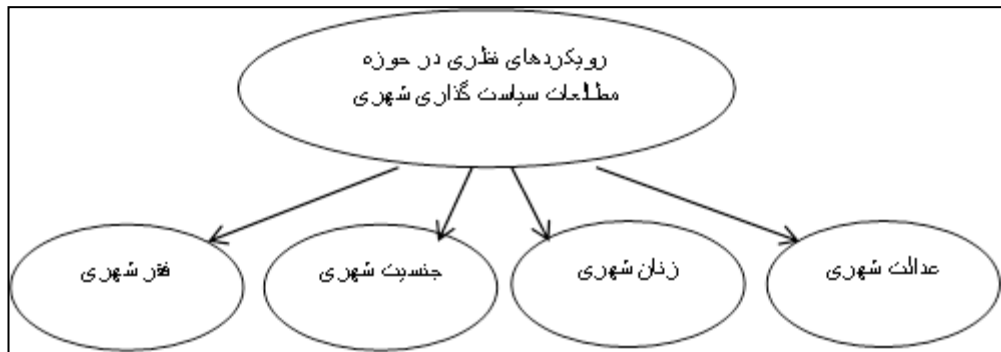
- اصل چهارم: انگیزه توسعه شهرها همانند توسعه شهر در یک قلمرو است.

- اصل پنجم: مراقبت و نگهداری از محیط شهری.

- اصل ششم: ایجاد هم کاری، صلح، و تبادل تجربه در توسعه شهری. (Principles of Urban Policy, ministry) (forregional development of the Czech republic, 2010:3).

به طور کلی، اهداف سیاست توسعه شهری، تضمین بهبود در کیفیت زندگی شهری، توسعه شهری برنامه ریزی شده، کیفیت بهتر، دسترسی و بهره وری خدمات شهری، کاهش فقر شهری و دسترسی برابر خدمات به فقرا شهری، کاهش نابرابری منطقه ای، ترویج مشارکت مردم در حاکمیت محلی است. (Rodwin, 1970).

طبق مطالب ذکر شده، می‌توان گفت مکتب سیاست‌گذاری شهری نقش مهمی در توسعه شهری ایفا می‌کند. رویکردهای نظری در حوزه مطالعه شهری پیرامون مفاهیمی همچون فقر شهری، جنسیت شهری، دسترسی شهری، زنان شهری، عدالت شهری می‌چرخد که در ادامه به تشریح آن‌ها می‌پردازیم.



رویکردهای نظری در حوزه مطالعات شهری

فقر شهری

فقر شهری یک پدیده پیچیده است. این مقاله با هدف برجسته کردن برخی از جنبه‌های جالب مسئله فقر و برخی از تجربیات - تا حدی غیر منتظره - از سیاست‌های ضد فقر است. تجزیه و تحلیل داده‌های فقر به مرور زمان و در سرتاسر سرزمین، نتایج جالب و غافلگیر کننده بسیاری را به همراه می‌آورد. طبق مطالعات صورت گرفته داده‌ها نشان دهنده از فقر فراز و نشیب‌های موفقیت در مبارزه با فقر را نشان می‌دهد به عنوان مثال: سهم جمعیت محروم به شدت مادی در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا بین ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ از ۱۱٪ به ۸٪ کاهش یافت، اما در سال ۲۰۱۲ به ۱۱٪ بازگشت. تأثیر بحران مالی به ویژه در یونان، مجارستان، لیتوانی، لتونی و ایتالیا شدید بود، جایی که بین سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ میزان محرومیت ۷٪ افزایش یافته است (European Commission, 2014).

فقر و محرومیت به عنوان مشکلی جهانی هم در کشورهای ثروتمند و هم در کشورهای فقیر شناخته شده است. امروزه این امر به مسئله ای عام و جهانی تبدیل شده که ریشه بسیاری از رفتاری‌ها و معضل بسیاری از مردمان جهان از جمله جامعه شهری کشور ما در ابعاد و سطوح مختلف را در بر گرفته است از این رو پیوسته مورد تأکید محافل علمی و سیاست‌گذاری قرار گرفته است (Shakoori and Saeedi, 1392: 1). برای اتکاء نظری این مفهوم باید به اقتصاد سیاسی متوسل شد. اقتصاد سیاسی مارکسیستی در نیمه دوم قرن بیست و در پی بر ملا شدن ضعف‌های مکتب جامعه‌شناسی شهری شیکاگو به یک چارچوب تحلیلی برای بررسی به تحولات شهرها تبدیل شد (Movahed & Vanuri, 1394: 50).

فقر شهری پدیده ای چند بعدی است، فقر ضرورتاً به معنای انجام فعالیت‌های اقتصادی نیست. پیدایش و رشد فقر شهری محصول بر هم کنش عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و آنچه اجمالاً می‌توان گفت، رشد نامتوازن و سریع شهری، توزیع نامتعادل فرصت‌ها، منابع و ناکارآمدی عوامل فرهنگی و اجتماعی و سیاست‌های نادرست توسعه، برخی از عوامل کلان آن به حساب می‌آید. از این منظر بخش مهمی از اسباب و موجبات فقر شهری بیرون از اراده افراد فقیر و در درون ساختار کلان سیاسی و مدیریتی کنشگری می‌باشد. هر چند که موضوع ایجاد اشتغال و یا توانمندی افراد جامعه و به خصوص گروه‌های آسیب پذیر و آسیب دیده مأموریت مشخص سازمان‌های متعدد دولتی است، ولی شهر داری به مثابه نهاد اجتماعی در این مورد نیز مسئولیت پذیر است (Mohammad Bagher Ghalibaf).

اولین تلاش URBACT برای مفهوم سازی فقر شهری و مداخلات احتمالی

الف- از بین بردن مناطق گذرا (کمبود سهام مسکن ارزان قیمت بسیار مورد نیاز) درک نقش‌هایی که محلات مختلف در بازارهای مسکن محلی ایفا می‌کنند بسیار مهم است. برخی مناطق فقیرنشین نقش یک محله گذرا را ایفا می‌کنند که در آن افراد تازه وارد به یک شهر می‌توانند اجاره ارزان قیمت و هزینه‌های پایین زندگی را پیدا کنند. پس از بهبود شرایط شخصی، آنها از منطقه خارج می‌شوند. این مناطق باید از مناطق «بن بست» از جایی که شانس برای بیرون رفتن از هر مکان بسیار پایین است، تفکیک شود. بنابراین یک نمای ایستا در یک محله (ترکیب آن در یک لحظه معین از زمان) از نقش واقعی و پویای آن در شهر خبر نمی‌دهد. بر همین اساس، تصمیم‌گیری برای تخریب یک منطقه فقط بر اساس وضعیت اجتماعی پایین آن می‌تواند عواقب فاجعه آمیزی بر عملکرد بازار مسکن محلی داشته باشد.

ب) تخریب مسکن با کیفیت خوب برای مقابله با مشکلات جدی اجتماعی در مورد محله‌های بن بست، تخریب مسکن اجتماعی ممکن است اجتناب ناپذیر باشد. با این وجود، همواره می‌توان سؤالاتی را مطرح کرد که اگر تخریب ساختمانهای متناسب با فیزیکی، تنها پاسخ غلظت بالای مشکلات اقتصادی و اجتماعی باشد. در اکثر موارد با تغییر در سیاست‌های تخصیص مسکن با تلاش برای ایجاد محلات مختلط تر در همان منطقه، می‌توان از تخریب جلوگیری کرد.

ج) بنایی نوسازی شده که توسط ساکنان اصلی نمی‌خواست (جودی بیکر و نینا شولر)

جدول ۱. ویژگی‌های کلیدی فقر در بافت شهری

ابعاد فقر	عوامل موثر بر فقر	علل مربوط به سیاست	تأثیر بر دیگر ابعاد فقر
درآمد	-وابستگی به پول نقد برای خرید کالاهای ضروری و خدمات -نامنی اشتغال -وجود کارگران غیر ماهر و عدم صلاحیت برای به دست آوردن شغل پر درآمد -عدم توانایی در نگه داشتن شغل به دلیل سلامتی بد -عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی (فقر شهری اغلب باید بین فواصل تا شغل و هزینه‌های مسکن مبادله شود)	-قصور در خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت، زیر ساختار، حمل و نقل برای خدمت به فقرای شهری -محدودیت تنظیم مقررات در شرکت‌های کوچک، غیر رسمی کار در دسترس فقرا، دلسرده کردن انباشت سرمایه دسترسی به اعتبارات و افزایش آسیب پذیری کارکنان است	-عدم توانایی در مسکن و زمین، در نتیجه مانع از توسعه دارایی‌های فیزیکی میشود -عدم توانایی در تأمین کیفیت و کمیت خدمات عمومی ضروری مثل آب، در نتیجه شرایط زندگی غیر بهداشتی -سرمایه انسانی ضعیف، نتایج آموزشی بد به دلیل دسترسی نامناسب، امنیت غذایی و ناتوانی در هزینه تحصیل و خدمات بهداشتی
سلامت	-شرایط زندگی غیر بهداشتی -محیط مسکونی نامناسب به علت استفاده از توابع مسکونی و صنعتی در شهرها، مستعد آلودگی صنعتی و ترافیک هستند -فقرا در حاشیه شهرها ساکن هستند این امر مستعد خطرات زیست محیطی مانند رانش زمین می‌شود -قرار گرفتن در معرض بیماری به	-مقررات زمین و مسکن می‌توانند مسکن مناسب را تأمین کنند و منجر به زندگی در نواحی مستعد و آلوده شوند. -چارچوب‌های سیاست بد و شکست خدمات عمومی مانند خدمات زیست محیطی و فاضلاب (آب و فاضلاب، دفع پسماند جامد، زه کشی، کنترل برداری) تا	-دم توانایی در نگه داشتن شغل *عدم توانایی برای کسب درآمد کافی -کاهش توانایی کودکان برای یادگیری به خاطر بیماری (به عنوان مثال، مسمومیت سربی)

<p>دلیل کیفیت ضعیف، آب و کمبود بهداشت - جراحت و مرگ ناشی از ترافیک کارگران) - خطرات شغلی صنعتی - شرایط کاری غیرایمن، به ویژه برای افراد شاغل در بخش غیر رسمی عدم وجود شبکه‌های امن و سیستم‌های پشتیبانی اجتماعی برای خانواده‌ها و جوانان</p>	<p>با رشد جمعیت همگام باشند. -عدم حفاظت از نیروی کار (ایمنی کارگران) -مدیریت ضعیف ترافیک و امکانات عابر پیاده -عدم وجود شبکه‌های امن و سیستم‌های پشتیبانی اجتماعی برای خانواده‌ها و جوانان</p>
<p>-دسترسی به تحصیل به دلیل اندازه کافی مدرسه در شهرهای به سرعت در حال رشد -عدم توانایی در پرداخت هزینه‌های مدرسه -عدم وجود شبکه‌های ایمنی برای تضمین توانایی ماندن در مدرسه علی رغم مشکلات اقتصادی خانوادگی -حمل و نقل عمومی مقرون به صرفه و مقرون به صرفه</p>	<p>تحصیل -ادامه نابرابری‌های جنسیتی -عدم فعالیت سازنده برای جوانان عصر مدرسه، مشارکت در بزهکاری از مقامات دولتی برای فراهم کردن کلاس درس کافی و اندازه مدرسه مناسب هستند. -عدم وجود شبکه‌های ایمنی برای تضمین توانایی ماندن در مدرسه علی رغم مشکلات اقتصادی خانوادگی -حمل و نقل عمومی مقرون به صرفه و مقرون به صرفه</p>
<p>عدم امنیت شخصی عدم امنیت *مصرف مواد مخدر -الکل و خشونت خانوادگی -کاهش بنیان خانواده و کاهش حمایت از کودکان -تنوع اجتماعی و نابرابری درآمدی مشهود در شهرها، که تنش‌ها را افزایش می‌دهد و می‌تواند باعث ایجاد وسوسه جرم شود سیاست‌های زمین برای فقرا زمین توسعه یافته کافی ایجاد نمی‌کنند -سیاست‌های زمینی مجوز تصدی در اکثر شهرک‌های غیر مجاز را نمی‌دهند -استانداردهای نادرست و قوانین نامناسب مسکن را ممکن می‌سازند -مقررات، دستورالعمل‌های پرهزینه و cumbersome را برای ثبت مجوز سکونت و یا به دست آوردن مجوز سکونت اعمال می‌کنند. - عدم دسترسی به اعتبارات -فقدان فرصت‌های شغلی، خدمات، و دارایی‌های (هم اشتراکی و هم شخصی) مناطق خاصی را در شهرها به عنوان مراکز جرم و پریشانی ایجاد می‌کند. -عدم وجود سیاست‌ها و برنامه‌ها</p>	<p>امنیت ناامن بودن زمین و مسکن در مناطق مجاز مقرون به صرفه نیست، بنابراین فقرا معمولاً در اموال عمومی یا خصوصی اجاره یا اجاره می‌کنند. خانه‌ها فاقد ساخت و ساز مناسب هستند و تمایل دارند در مناطق ناامن باشند که در معرض خطرات طبیعی قرار دارند سیاست‌های زمین برای فقرا زمین توسعه یافته کافی ایجاد نمی‌کنند -سیاست‌های زمینی مجوز تصدی در اکثر شهرک‌های غیر مجاز را نمی‌دهند -استانداردهای نادرست و قوانین نامناسب مسکن را ممکن می‌سازند -مقررات، دستورالعمل‌های پرهزینه و cumbersome را برای ثبت مجوز سکونت و یا به دست آوردن مجوز سکونت اعمال می‌کنند. - عدم دسترسی به اعتبارات -فقدان فرصت‌های شغلی، خدمات، و دارایی‌های (هم اشتراکی و هم شخصی) مناطق خاصی را در شهرها به عنوان مراکز جرم و پریشانی ایجاد می‌کند. -عدم وجود سیاست‌ها و برنامه‌ها</p>
<p>-محل اقامت و محل کار -جداسازی جوامعی که از شغل و خدمات جدا هستند</p>	<p>توانمندسازی -عدم دسترسی به خدمات شهری -حس انزوا و ضعف -خشونت -چارچوب‌های تنظیم مقررات و خط مشی (برای ارائه خدمات، مسکن و زمین، و فعالیت‌های غیر</p>

-کانال‌های ناکافی اطلاعات برای قانونی‌باعث ایجاد شهرک‌ها و ۸ -عدم استفاده نامناسب از زمان و کسب شغل، دانستن نه اینکه حقوق و یا مشاغل "غیر رسمی" یا "غیر پول برای یافتن اشکال جایگزین مسئولیت‌های شهروندان را در اختیار قانونی" می‌شود. این امر آن‌ها را برای جبران، به عنوان مثال، داشته باشد حقوق قانونی فرد برای به عنوان سایر شهروندان شهری به پرداخت رشوه خدمات، و غیره. رسمیت می‌شناسد -بوروکراسی و فساد -تبعیض رسمی یا غیررسمی

Source: Research Findings, 1399

مدیریت ضعیف شهری و چارچوب‌های سیاسی نامناسب به آسیب پذیری فقرا شهری کمک می‌کنند. فساد، سیاست‌های نادرست، و الزامات نظارتی پیچیده منجر به اشکال مختلفی از تخلفات مانند خدمات ناکافی زیست محیطی، دسترسی محدود به مدرسه و مراقبت‌های بهداشتی و محرومیت اجتماعی در شهرها می‌شود. بنابراین، حکمرانی بهتر شهری شرط لازم برای بهبود فرصت، امنیت و توانمندسازی فقرا شهری را فراهم می‌کند (Draft for Comments. April, 2001)

جنسیت شهری

افزایش و رشد سریع جمعیت، با تداوم و گسترش شهر نشینی و شهری شدن جهان، مشکلات فراوانی در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای جهان سوم ایجاد کرده است. این رشد فزاینده و جهانی شدن در دو گروه از کشورها، جنسیتی شده است: یکی از کشورهایی که از حیث ساختاری، تجارت جهانی و فرد گرایی پست مدرن، با مردم سالاری نظام سرمایه داری غربی به هم تنیده شده و دیگر کشورهایی با جاذبه جنسیتی و نژادی که بر پایه بکارگیری مهاجران زن در مشاغل ساده کم درآمد برای شهرهای جهانی پر درآمد، شکل گرفته اند (Heidari et al., 2015: 62). با ورود به هزاره جدید، کشورهای جهان خود را ملزم می‌دانند فضایی خلق کنند که در آن زندگی بهتر با حذف بی عدالتی بر پایه نژاد، جنسیت، طبقه و مذهب شکل گیرد. شهرها می‌توانند به عنوان مکانی ایده آل موفقیت افراد را ایجاد کنند. این موفقیت به حاکمیت خوب و مشارکت مردان و زنان به عنوان شرکای مساوی و عوامل تغییر بستگی دارد. برابری جنسیتی و شهر نشینی پایدار نه تنها برای بقاء شهرها مهم هستند، بلکه برای تحقق تعهدات و اهداف جهانی از جمله اهداف توسعه ای ضروری هستند (Fact Sheet, 2009: 1).

جنسیت و فضای شهری موضوعی است که محققان شهری به طور عمده در مورد آن ساکت بوده اند. اندیشمندان فمینیست توافق دارند که شهر را، مرد ساخته است، زیرا زنان سهم اندکی در برنامه ریزی و ساخت آن داشته اند و منافع اندکی از محصور بودن در محیط مرد ساخته می‌برند. لذا از ابزارهای اصلی در امر توسعه، مسائل تحلیل جنسیتی و توجه به جنسیت در امر برنامه ریزی است (Technical and unique, 1396: 89).

علی رغم اینکه در برنامه ریزی‌های شهری مطرح گردیده که در مکان‌های شهری باید امکان دسترسی همه گروه‌ها را فراهم آورند و عرصه ای برای حضور تمام استفاده کنندگان و محیطی برای بروز انواع فعالیت‌ها باشند، رویکرد جنسیتی در طراحی و برنامه ریزی فضای شهری مبتنی بر نیازهای مردان به ایجاد فضاهای مردانه منجر شد به لحاظ تاریخی، معماری و برنامه ریزی شهری عمدتاً فعالیت‌های مردانه تلقی شده اند و بنابراین فضای شهری به فضاهایی جنسیتی تبدیل شده اند، به طور کلی تا سال ۱۹۷۰، برنامه ریزی شهری، دچار نوعی «کوری جنسیتی» بوده است (Rezazadeh and Mohammadi, 2012: 17).

ساختار جنسیتی در جامعه، محدودیت‌های زیادی را برای زنان ایجاد می‌کند زنان اغلب ارتباط پیچیده تری نسبت به محیط اطراف خود در مقایسه با مردان دارند که باعث می‌شود از آن‌ها به عنوان گروه‌های آسیب پذیر جامعه یاد می‌شود (Rahimi et al., 1397: 224).

به نظر میشل باندز، فضای شهری، فضای جنسیت زده است و ناهمسانی قدرت مردان و زنان در جامعه را تشدید می‌کند (Bounds, 2004: 8).

کارپ استون و یولز معتقد اند که ماهیت جنسیتی شده فضا شهر را می‌توان در نحوه عمل فضا شهری برای محدود کردن تحرک زنان تعریف کرد که این محدودیت از لحاظ فیزیکی بر پایه ترس و دسترسی محدود شده و از لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری اعمال شود (Madinpor, 2000: 13).

جنسیت در سیر تحولات شهرسازی

به نظر پیترهال در بررسی سیر تحولات شهرسازی می‌بایست سه مرحله کاملاً متفاوت را از یکدیگر تفکیک کرد. مرحله اول: این دوره از اوایل قرن ۲۰ تا اواسط ۱۹۶۰ را در بر می‌گیرد و مظهر اصلی آن تهیه و اجرای طرح‌های جامع شهری و منطقه ای است. در این مرحله تفکر خاصی نسبت به تفاوت‌های اجتماعی جنسیتی وجود نداشت و زنان نوعی، محور بی عدالتی و نابرابری هستند.

مرحله دوم: از اواسط دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و با تصویب قانون جدید برنامه ریزی شهری و روستایی در سال ۱۹۶۸، در انگلستان الگوی طرح‌های ساختاری - راهبردی را جایگزین طرح‌های قدیمی کرد. در این مرحله نقش زنان در امر توسعه افزایش می‌یابد. در این دوره، طرح‌ها و سیاست‌های حمایتی به نفع زنان انجام می‌شود.

مرحله سوم: در سال‌های پایانی دهه ۱۹۶۰، به تدریج انسان فهمید هر تفاوتی برآمده از تضاد نیست و هر اخلاقی وابسته به شرایط زمان و مکان است در این مرحله تفکر عمیق تری نسبت به موضوع جنسیت در سطح جهانی در برنامه ریزی و طرح‌های شهری به وجود می‌آید (Rafieian et al., 2013: 38).

دسترسی شهری

دسترسی مردم به، کالا، خدمات و ایده‌ها اساس توسعه اقتصادی در شهر است. توسعه شهر نشینی و بزرگ شدن شهرها علاوه بر اینکه در توسعه رفاه و امنیت شهروندان نقش به سزایی داشته است، پیامدهای ناگواری را در پی داشته است. عدم توسعه پایدار شهری در بر دارنده نابرابری در توسعه فیزیکی شهر، در فرصت‌های زندگی خصوصاً حوزه عمومی، خدمات عمومی، زیر ساخت‌های اجتماعی، کیفیت مناطق مختلف شهری و غیره است.

عدم دسترسی همه جامعه به امکانات شهری برابر و نابرابری اجتماعی، احساسات افراد را خدشه دار می‌کند، این امر نقش تعیین کننده ای در تحقق احساس نارضایتی دارد و باعث افزایش نارضایتی‌ها از عملکرد دولت می‌شود، وحدت ملی را به خطر می‌اندازد و اندازه گیری عمل جمعی در مردم را کاهش می‌دهند (Goorohi & et al., 2013: 4).

دسترسی به شیوه‌های مختلف می‌تواند تعریف شود، بیش از همه ابعاد عینی و ذهنی دسترسی مهم می‌باشند و در کشورهای در حال توسعه فاصله فیزیکی هنوز اهمیت زیادی دارد. استفاده از امکانات عمومی با دسترسی ارتباط دارد.

تعریف ساده از دسترسی این است که چگونه با کمترین زمان با فاصله معین به یک مکان معین برسیم. در چند دهه گذشته، مفهوم دسترسی در چندین زمینه مورد استفاده قرار داده شده است: امکانات عمومی، خدمات بهداشتی، امکانات و تجهیزات عمومی از جمله مراکز خرید و... (Lotfi et al., 2012: 118).

دسترسی از ابعاد مختلف، چون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی شهری قابل بررسی است. در اینجا جنبه شهری آن مد نظر است.

گرچه مبانی نظری موجود در زمینه دسترسی درون شهری قلمرو وسیعی را شامل می‌شود.

گیرتمن و رتیزما دسترسی را به دو جزء حمل و نقلی و فضایی تفکیک می‌کنند، در جزء فضایی اشاره به توزیع فضایی عرضه و تقاضا و در جزء حمل و نقلی ابزاری برای رسیدن به هدف است (Alireza Nouri, 110). یکی از ضروریات زندگی بشر نحوه توزیع کاربری‌های شهری است. نوع کاربری و میزان دسترسی مطلوب همگی شهروندان به آن در شهرها از اهمیت بسیاری برخوردار است. میزان آسایش و راحتی شهروندان بستگی به فاصله و زمان دسترسی آن‌ها به خدمات شهری است (Izadi et al., 2016: 38).

دسترسی همچون یک مفهوم اساسی و کلیدی در برنامه ریزی شهری و حمل و نقل ظاهر می‌شود که چگونگی بیشترین فعالیت‌ها و تحرکات پدیده‌های شهری را بیان می‌دارد. و هم کنشی، مبادلات و تحرکات، فرصت‌ها را فراهم می‌نماید (Parhizkar, 1998: 121).

قابلیت دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری یک معیار اصلی برای ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق شهری شهری محسوب می‌گردد.

قابلیت دسترسی به عنوان توانایی دسترسی به محصولات، خدمات، تسهیلات، شغل، خانه، فضاهای تفریحی و دیگر فعالیت‌های جنبی در یک مدت زمان معقول می‌باشد. از این دیدگاه، همه مکان‌ها یکسان نمی‌باشند چرا که بعضی مکان‌ها قابلیت دسترسی بیشتر به خدمات شهری در مقایسه با مکان‌های دیگر هستند (Talei et al., 2008: 1).

دای و دی معتقد اند که دسترسی به فضای عمومی به لحاظ فعالیت‌های فیزیکی و تأمین سلامت عمومی مهم است. با این حال تفاوت‌هایی از لحاظ دسترسی به فضاها وجود دارد. یکی از این عوامل که دسترسی را محدود می‌کند نحوه توزیع جغرافیایی این فضاها در سطح شهرها و مناطق شهری است و دومی تفاوت‌های نژادی، قومی، اجتماعی، اقتصادی است (Mousavi and Samadi, 2019: 11).

به طور کلی ارتباط مستقیم و مثبتی میان دسترسی و کیفیت زندگی وجود دارد. هر اندازه فضای عمومی بیشتر و دسترسی به فضا راحت باشد به همان اندازه در کیفیت زندگی شهروندان تأثیر مثبتی خواهد گذاشت.

زنان شهری

نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند. این گروه عظیم به لحاظ ارتباط مستقیمی که با گروه‌های دیگر اجتماعی دارند علاوه بر وظایف شخصی و خانوادگی بیشترین نقش را در حرکت اجتماعی و دستیابی به توسعه پایدار ایفا کنند (Hatami Nejad and Jahiri, 2009: 54).

بدون شک مشارکت مردم و شهروندان از تمامی اقبال و و گروه‌های سنی، اصلی ترین عامل در راه موفقیت مواد قانونی و دستیابی به شهری ایده آل در تمامی زمینه‌هاست. مشارکت مردم به خصوص زنان در امور شهری از اهداف جوامع معاصر است (Goat and flowering, 2012: 108). زنان به عنوان یک شهروند حق حضور، مشارکت و لذت

از زندگی مدنی در شهر را دارند، لازم است تمامی موانع حضور و مشارکت آنها در زندگی شهری محدود شود (Rezazadeh, 2020: 29).

حضور زنان در فضاء بیرونی و خارج از خانه، با اشتغال زنان در جامعه صنعتی آغاز شد و بدین ترکیب لزوم حضور آنها در قلمرو گسترده تری اتفاق افتاد. به واسطه مقبولیت رویکرد مشمولیت زنان در فضای شهری، برنامه‌ها و فعالیت‌های متفاوتی در مقیاس‌های گوناگون در سراسر جهان اتفاق افتاد. ظهور پروژه‌های توسعه‌ای محدود‌های ترکیبی نمونه‌ای است که به شکل‌های گوناگون و در مقیاس‌های متفاوت به منظور افزایش حضور و مشارکت حضور زنان در شهرها اتفاق افتاد. واژه «ترکیبی» به منظور ترکیب جنبه‌های متفاوت توسعه کالبدی در برنامه ریزی محیط است که تنوعی از کاربری‌ها، خدمات، تجهیزات و امکانات را مد نظر قرار می‌دهد (Reza Zadeh and Mohammadi, 2012: 20).

سیاست‌های توجه به زنان دو رویکرد اصلی را مورد توجه قرار می‌دهد. این دو رویکرد عبارت‌اند از ۱- افزایش مشارکت زنان ۲- توجه خاص به زنان که با افزایش آگاهی جنسیتی و رقابت میان زنان و مردان در دو عرصه عمومی سیاسی و تخصصی برنامه ریزی شهری تحقق می‌یابد. زنان و مردان از محیط‌های شهری استفاده و تجربه متفاوتی داشته و اغلب از دید هر یک ترجیحات متفاوتی نسبت به خدمات و زیرساخت‌های شهری وجود دارد که معمولاً در سیاست‌های توسعه شهری مورد توجه قرار نمی‌گیرد. لذا لازم است سیاستمداران و برنامه‌ریزان، آگاهی جنسیتی یافته و بدین ترتیب زنان و نیازمندی‌های و علایق آنها در فرآیند برنامه ریزی دخیل شوند (Rezazadeh: 2011: 29).

عدالت شهری

عدالت یکی از اصلی‌ترین اهداف برنامه ریزی شهری محسوب می‌شود. برای شناخت عدالت در شهر که مبنا و معیار مشروعیت نظام و روابط انسانی است، معمولاً به تعریف عدالت رجوع می‌شود، گره خوردن موضوع عدالت در شهر با مباحث مختلف ارزشی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی، بر دشواری عدالت پژوهی در مطالعات شهری افزوده است. عدالت در برنامه ریزی شهری در حوزه‌های گوناگون فردی و اجتماعی، کاربرد گسترده‌ای یافته است که به وسعت دامنه مباحث عدالت محوری می‌انجامد (Dadashpour and Alvandipour, 2016: 7).

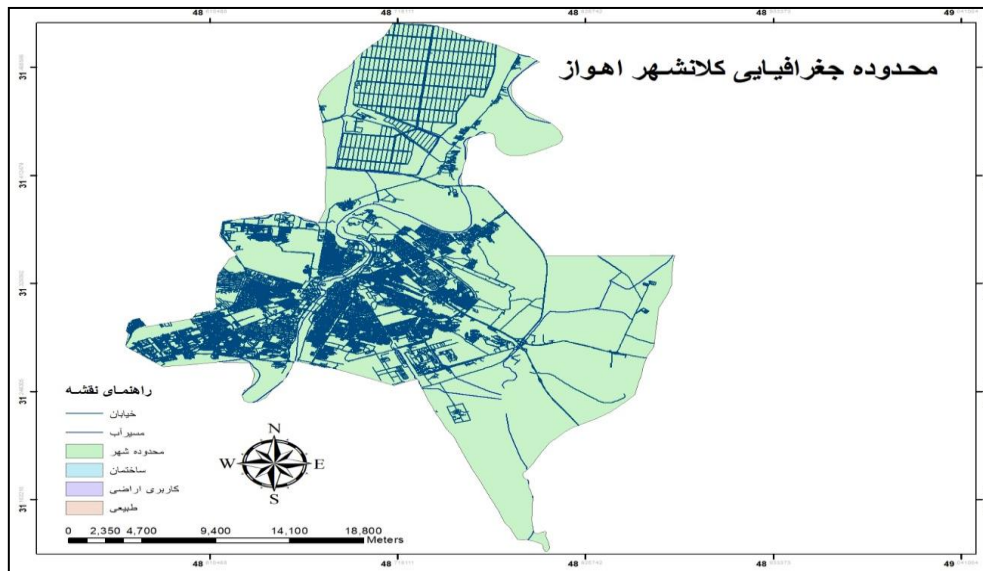
توجه به استحقاقها نیز نقش مهمی در عدالت شهری ایفا می‌کند. در برنامه ریزی‌های شهری یکی از مواردی که به صورت جدی باید مورد توجه قرار گیرد تأمین امکانات رفاهی، آموزشی، فرهنگی، مشارکت اجتماعی و... است (Sharifi et al., 2016: 217).

سوزان فانستین عدالت شهری را اینگونه می‌داند، تأکید بر سه اصل تنوع، عقلانیت ارتباطی مبتنی بر دموکراسی مشورتی و انصاف برای بروز عدالت شهری و دموکراسی شهری. تونی گریفمن معتقد است عدالت شهری مبتنی بر ده اصل است. انصاف، انتخاب، دسترسی، مالکیت، ارتباط، تنوع، مشارکت، مشمولیت، تعلق، زیبایی و نوآوری خلاقانه به عنوان اصول بهبود بخش عدالت شهری می‌داند (Heidari and Zarei, 2020: 16).

مروری بر مسائل سیاست گذاری شهری مراکز معین شهری

همان گونه که ذکر شده است سیاست گذاری شهری عمدتاً به مسائل کلان و با ابعاد وسیع می‌پردازد و مسائل و مشکلات با اندازه خرد از اولویت بررسی در سیاست گذاری شهری برخوردار نمی‌باشد. سیاست گذاری شهری در مناطق جغرافیای شهری در کشور از رویکرد مدیریت سیاسی کلان شهری توسط مراکز معین هدف گذاری شده، پیروی نموده است به طوری که شهرهایی چون اصفهان، مشهد، تبریز، اهواز و کرمان به عنوان مراکز معین منطقه‌ای در کشور در نظر گرفته شده اند که این مراکز وظایفی علاوه بر حل مشکلات حوزه خود در مواقع ضروری و بروز بحران به مشکلات و معضلات منطقه محلی و در سایر حوزه های سیاسی و شهری می‌پردازند و مرکز سیاسی تصمیم گیری استان های درگیر و شهرهای اطراف را زیر پوشش قرار می‌دهند. در ذیل به اختصار عمده ترین مشکلات و معضلات این کلان شهرها که بیشتر مورد سیاست گذاری شهری می‌باشد مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

نقشه ۱. کلان شهر اهواز



کلان شهر اهواز مرکز معین جنوب غربی کشور و یکی از کلان شهرهای بسیار مهم است که درگیر مشکلات و مسائل متعددی است. هر کدام از مشکلات این نقطه پرجمعیت شهری از ابعاد متعدد و ریشه های گوناگونی برخوردارند. سیاست گذاری شهری در کلان شهر اهواز بر روی موضوعاتی چون آلودگی هوا، بحران بیکاری، مشکل گرد و غبار و ریزگردهای مسموم کننده، ضعف مدیریت گردشگری شهری، آب ناسالم، گرمای زیاد هوا و شرایط اقلیمی نامساعد متمرکز شده است.

بحران هایی چون آلودگی هوا و بحران بیکاری تهدیدی جدی برای کلان شهر اهواز محسوب می‌شوند. کلان شهر اهواز در معرض آلاینده های نفتی قرار گرفته و در کنار گرد و غبارهای آلوده در هوای شهر، دچار مشکل جدی است. همچنین با توجه به قرار گرفتن این کلان شهر در مسیر ترانزیت کالا، از توسعه نیافتگی ارتباط شبکه جاده ای و مسیرهای ترابری رنج می‌برد.

از مشکلات سیاست گذاری شهری در کلان شهر اهواز ضعف مدیریت در صنعت گردشگری شهری است. نبود زیر ساخت ها و تاسیسات لازم در این شهر، معضل عمده را برای اقتصاد شهری اهواز به جود آورده است. اهواز از

نظر جمعیت حاشیه نشین سومین استان و از نظر مساحت مناطق حاشیه نشینی نیز شهر اهواز با ۲۰ محله حاشیه نشین دارای بیشترین مناطق حاشیه نشینی در کشور است.

نرخ بیکاری و وضعیت جوی از دلایل اصلی مهاجرت از کلان شهر اهواز است و بیشتر مهاجران را نخبگان و تحصیل کردگان تشکیل می دهند. نگرانی از سطح رفاه زندگی مردم و نبود اشتغال از یک سو و همچنین کاهش بارندگی ها و پایین آمدن تولید محصولات کشاورزی در کنار آلودگی هوای و ورود ریزگردها به آسمان این شهر، مجموعه عواملی هستند که در ۵ سال گذشته باعث شده تا حدود دویست هزار نفر از اهواز و شهرهای اطراف آن مهاجرت نمایند.

در آخر می توان اذعان داشت ضعف مدیریتی در این کلان شهر باعث گسست در برنامه ریزی ها و تعارض در مدیریت معضلات و مشکلات این کلان شهر شده است که این مساله خود را در لایه های مختلف کلان شهر اهواز اعم از فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نشان داده است.

نقشه ۲. کلان شهر مشهد



کلان شهر مشهد بزرگترین نقطه شهری و مرکز معین منطقه شمال شرقی کشور است. این کلان شهر مشکلات عمده و بزرگی دارد که این مشکلات در اکثر کلان شهرهای کشور و سایر کلان شهرهای دنیا وجود دارد و یکی از این مشکلات ترافیک شهری است که نیازمند چاره جویی هوشمندانه است .

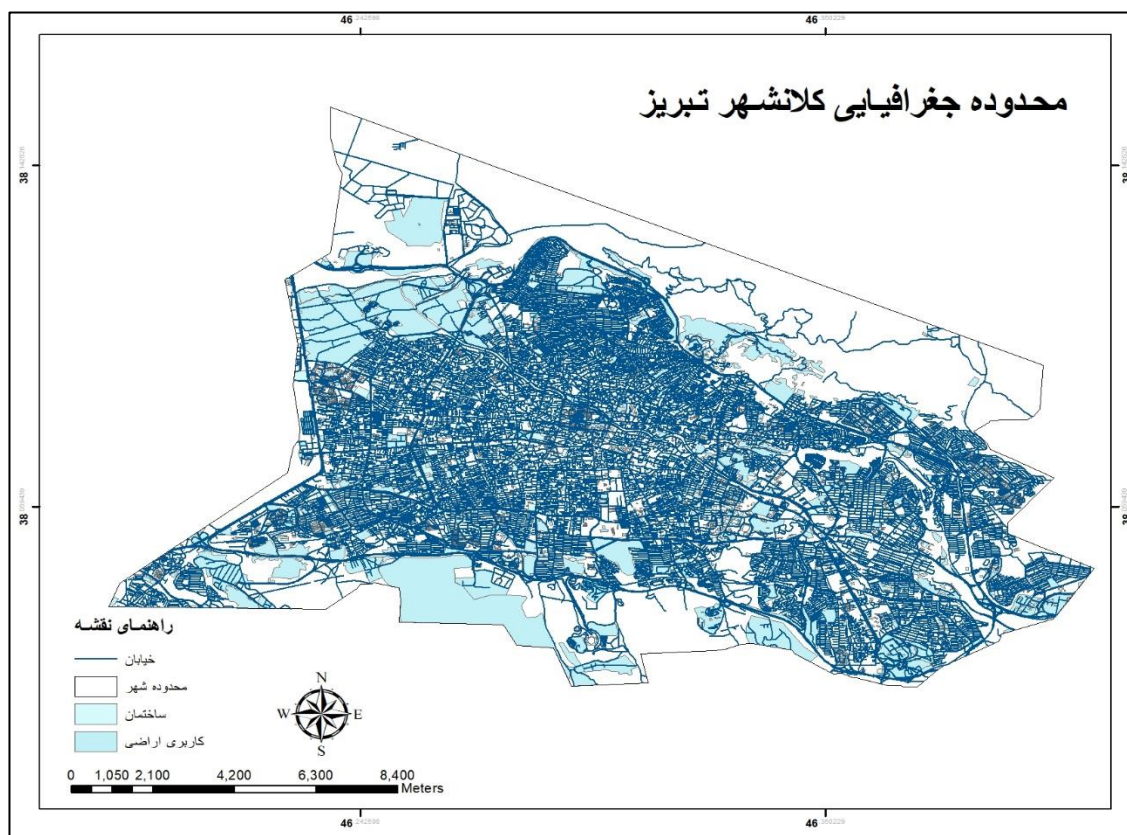
یکی از معضلات کلان شهر مشهد عدم تکمیل خطوط قطار شهری در این کلان شهر است که با رفع آن می توان مشکل ترافیک هسته مرکزی شهر را برطرف نمود. از دیگر مشکلات کلان شهر مشهد عدم سرمایه گذاری در احداث سیستم های پارکینگ هوشمند در هسته مرکزی شهر است.

معضل دیگر شهر مشهد آلودگی هوا است که با تشویق مردم در استفاده از حمل و نقل عمومی می توان میزان آلاینده ها را کاهش داد. گسترش فناوری اطلاعات در مشهد به عنوان یک شهر مدرن و مهم زمینه لازم را برای توسعه زیرساختهای فناوری و ارتباطات در کنار دولت الکترونیک فراهم می سازد.

یکی از مشکلات کلان شهر مشهد کمبود سرانه ورزشی است. پیوست فرهنگی در تمام پروژه‌های مشهد مد نظر قرار نگرفته است و سیاست گذاران شهری کلان شهر مشهد باید برای هر پروژه بزرگ خود پیوست فرهنگی در نظر گیرند.

وجود درآمد پایدار در شهرداری مشهد یک ضرورت است چرا که مشهد به واسطه وجود بارگاه منور امام رضا(ع) و حضور سالیانه ۲۷ میلیون زائر از ظرفیتهای خوبی در راستای ایجاد اشتغال و جذب درآمد پایدار برخوردار است. مشکل دیگر در حوزه سیاست گذاری شهری در کلان شهر مشهد کودکان کار شهری و کودک آزاری، مستمندان و معلولان زیاد شهری و سوادآموزان کم بضاعت است که هر کدام از این مشکلات و معضلات شهری، مساله شناسی تحلیلی ویژه به همراه سیاست گذاری های شهری مرتبط با آن حوزه تخصصی را به دنبال خواهد داشت.

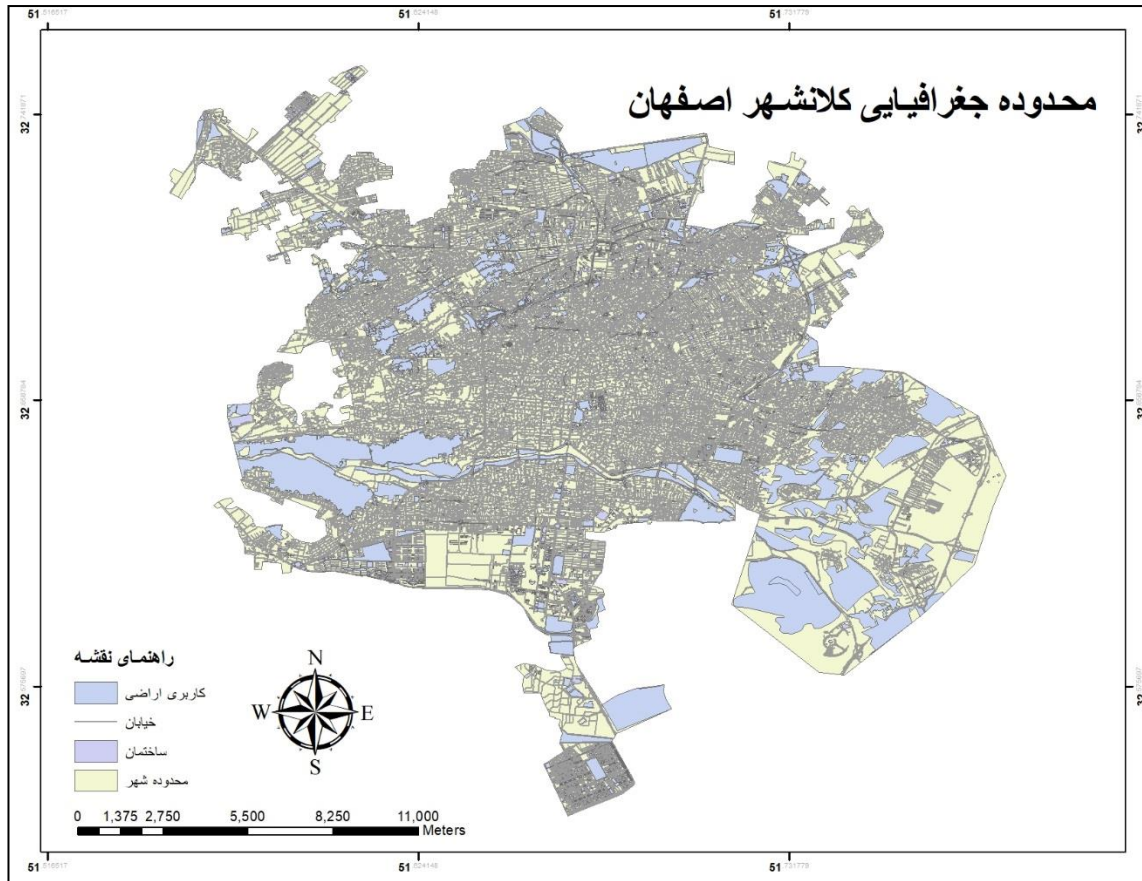
نقشه ۳. کلان شهر تبریز



کلان شهر تبریز مرکز معین شمال غربی کشور و یکی از بزرگترین مناطق شهری ایران است که در دهه های اخیر مورد توجه زیاد سیاست گذاران شهری قرار گرفته است. ذیل دانش سیاست گذاری شهری، محوری ترین مشکلات کلان شهر تبریز، عدم توجه به مدیریت واحد شهری، حاشیه نشینی، بافت های فرسوده، مشکلات حمل و نقل و کمبود فضای سبز در مناطق مختلف این کلان شهر احصاء شده است یکی از مهمترین مسائلی که کلان شهر تبریز با آن روبروست احیاء بافتهای فرسوده شهری است که این موضوع باعث ایجاد خطرات بسیار زیاد برای ساکنان این کلان شهر است که منجر به عدم خدمات رسانی شهری، عدم ایمنی در مقابل بلایای طبیعی و عدم حفظ و مرمت میراث فرهنگی محدود در بافت های فرسوده شهری می باشد.

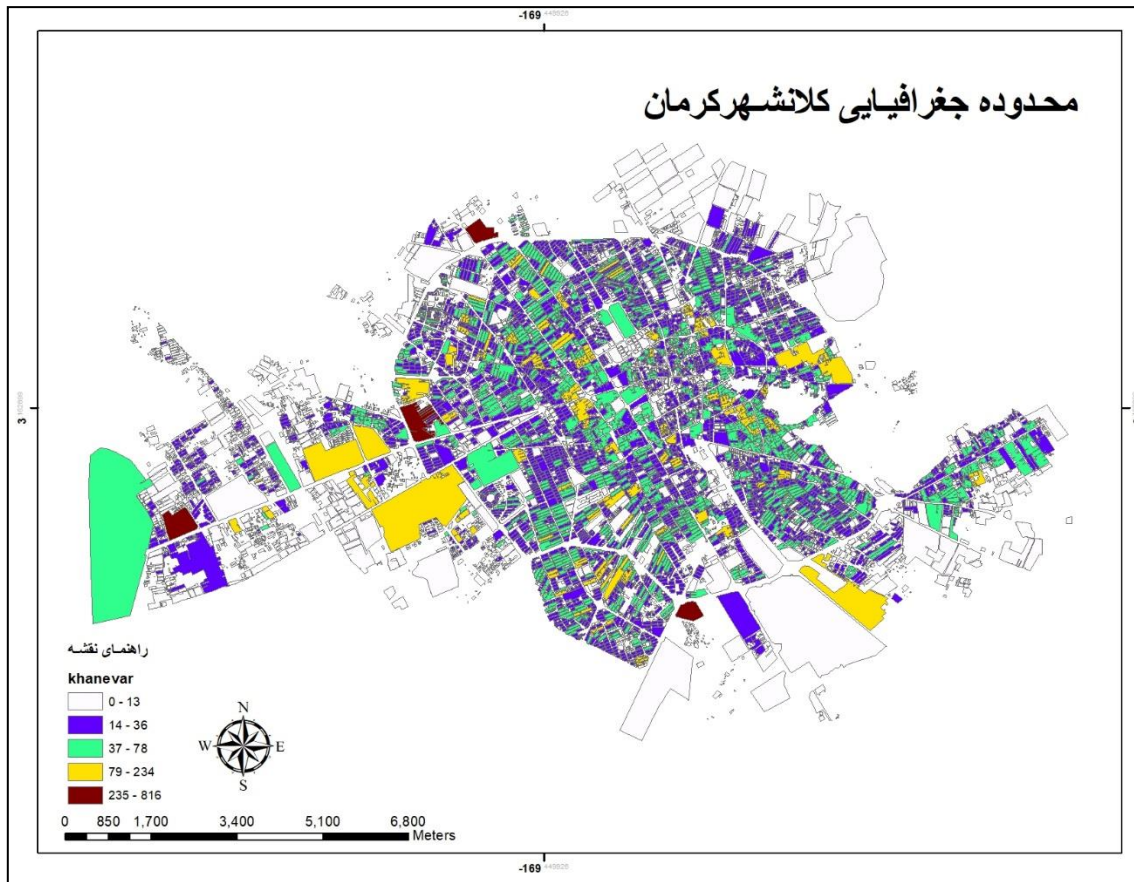
پیچیدگی ترافیک تبریز معضل دیگر پیش روی کلان شهر تبریز است که گرچه ویژگی های خاص خود را داراست، لیکن در کلیت عام خود جدا از مسائل و ویژگی های ترافیک در دیگر کلان شهرهای جهان و خصوصاً جهان سوم نیست. کلان شهر تبریز فضای سبز مناسبی در برنامه ریزی و طراحی شهری به خود ندیده است.

نقشه ۴. کلان شهر اصفهان



کلان شهر اصفهان دومین شهر ایران و مرکز معین منطقه مرکزی ایران است. از منظر سیاست گذاری شهری مسائل و مشکلات عدیده ای پیش روی این نقطه شهری است و عمدتاً شامل مواردی همچون کم آبی شهری و بحران خشکسالی در اصفهان، استقرار صنایع تبدیلی در حاشیه این کلان شهر، ضعف مسکن شهری، مهاجرت و حاشیه نشینی، معضل رشد بخش غیر متشکل و غیر رسمی اقتصادی، ضعف سرمایه اجتماعی، کاستی هویت شهری، ضعف طراحی شهری، برنامه ریزی و مدیریت شهری ضعیف، ناکارآمدی نظام حقوق ترمیمی و نقص در توسعه پایدار شهری، از جمله چالش هایی هستند که این کلان شهر مرکزی ایران با آنها مواجه است. یکی دیگر از مشکلات کلان شهر اصفهان عدم پرداخت مالیات بر ارزش افزوده از سوی دولت به طور پیوسته و دقیق، باعث مسکوت ماندن درآمدهای کلان شهر اصفهان شده است.

نقشه ۵. کلان شهر کرمان



کرمان مرکز منطقه ای جنوب شرقی و پرجمعیت ترین نقطه شهری ایران در این منطقه است. کرمان یکی از آخرین مراکزی است که به جمع کلان شهرهای کشور پیوسته است. این مجموعه شهری در آینه سیاست گذاری شهری با مسائل و مشکلات عدیده ای مواجه است.

وسعت بیش از اندازه، تراکم پائین جمعیتی، مشکلات آب‌های زیرسطحی، درآمد پائین شهرداری و بافت فرسوده از جمله چالش‌های اساسی کلان شهر کرمان است. سی درصد جمعیت استان کرمان در مرکز استان هستند. شصت درصد جمعیت این استان دربرگیرنده جمعیت شهری است و کلان شهر کرمان در افق ۱۴۰۴ استانی صنعتی و معدنی با رویکرد گردشگری است و این حوزه پایه اصلی در پروژه‌های میراث فرهنگی و صنایع دستی است (Kerman Municipality Portal, accessed 2/7/2019).

تأمین آب شرب شهر کرمان یکی دیگر از چالش‌های این کلان شهر است که برای اجرای پروژه عمران شهری ناگزیر از اجرای پروژه‌های عمرانی، میراث فرهنگی و بافت تاریخی در این کلان شهر است.

به سوی تبیین مسئله در سیاست گذاری شهری

سیاست گذاری شهری، در وهله نخست، به دنبال درک مسئله شهری، تمرکز بر آن و سپس، یافتن راه حل مناسب است. یافتن مسئله و شناخت آن اهمیت ویژه ای دارد، زیرا مسئله ای که دیده نشود یا نادرست دیده شود، هر دو در حکم شناخته نشدن است. مسئله ای که شناخت نشود، حل نمی‌شود و اگر حل نشود ممکن است به بحران تبدیل شود. مسائل، در ابتدای راه، ممکن است تمهیداتی ساده و کم هزینه حل شود اما زمانی که به بحران انجامید، حل

آنها دشوار و با هزینه بسیار خواهد بود. حرکت زیر نشان می‌دهد که چگونه یک دغدغه ممکن است در مسیر خود در نهایت به یک فاجعه شهری تبدیل شود (Razavi Nejad and Malek Mohammadi, 2019: 288). در تعریف مسئله (مشکل) نظریات چندی مطرح شد. در این میان موجزترین تعریف را با نگرش مدیریتی سی. اچ. کپنر می‌توان چنین بیان کرد که « یک مسئله عبارت اند از اختلاف میان آنچه باید اتفاق می‌افتاد و آنچه که اتفاق افتاده است، به گونه ای که نیاز به اصلاح احساس گردد » (Alwani, 2001: 40). جونز معتقد است مسئله « یک نیاز یا نارضایتی است که یک فرد یا گروهی از افراد جامعه آن را درک کنند و برای راه حل آن چاره ای بجویند ». ان. ال. هنری نیز به بخشی از ویژگی‌های مسئله اشاره می‌کند و آن را قابلیت تشخیص و احساس است.

مؤلفه‌های اصلی در بیان این تعاریف عبارت اند از: اختلاف، نیاز، نارضایتی، امور انسانی، درک انسانی، تصمیم برای اصلاح، وضع مطلوب و... مهمترین گام در شناخت مسائل مستلزم تبیین این مؤلفه‌ها و تعیین شاخص‌ها و استانداردهای مورد نیاز برای آنهاست (Gholipour and Gholampour Ahangar, 2010: 31). سیاست‌گذاری شهری از دل موضوعاتی در می‌آید که که برای فرد یا گروهی از جامعه مشکلی ایجاد می‌شود. ممکن است در برخی از موارد یک مسئله شهری جزئی و کوچک، به یک مسئله بزرگ و عمومی تبدیل شود. درگیر شدن افراد زیادی به آن مسئله ممکن است آن را تبدیل به یک مسئله سیاست‌گذاری عمومی در حیطه سیاست‌گذاری شهری قرار دهد.

طبق بررسی‌های صورت گرفته « مسائل اجتماعی شهر تهران » نخستین کتابی است که درباره شهر منتشر شده و سر آغاز مطالعات شهری در ایران است. این نخستین گزارشی است که با عنوان تحقیق شماره ۱ در شهریور ۱۳۴۳ توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی منتشر شده است. نخستین سمینار بررسی مسائل اجتماعی شهر تهران در اردیبهشت ۱۳۴۱ یعنی دو سال و نیم قبل از تاریخ انتشار کتاب بود. در این سمینار صاحب نظران شرکت کننده از همان ابتدا متوجه می‌شوند که: شهر تهران در زمان زمان بسیار کوتاه به طرز ناهماهنگی رشد کرده و گسترش یافته است. (Tavassoli, 2014: 255).

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مسائل شهری دربرگیرنده مسائلی با ابعاد وسیع و متفاوت است که دولت‌ها این مسائل را در آیین سیاست‌گذاری شهری مورد بررسی و بازبینی قرار خواهند داد. بسیاری از مشکلات شهری به ندرت وارد دستورکار سیاست‌گذاری دولت‌ها خواهند شد و این موضوع بسته به نوع مسائل و دامنه دربرگیری آنهاست. مسائل حوزه سیاست‌گذاری شهری عمدتاً شامل حوزه‌های کلان می‌باشند و مشکلات خرد به علت کم دامنه بودن به سختی وارد دستورکار دولت‌ها در شهر می‌گردند. مسائلی از قبیل شهرنشینی، اشتغال در شهرها، بی عدالتی شهری، تبعیض جنسیتی، زنان شهری امروزه به صورت مشکلات اجتماعی خود را نشان داده، اما تمهیداتی برای آنها اندیشه نشده است و در نتیجه این مسائل به مشکلات پیچیده شهری تبدیل شده و در ادمه بحران‌های بزرگ شهری را به وجود آورده است. فن مساله‌شناسی تحلیلی در سیاست‌گذاری شهری می‌تواند به ابزار قدرتمندی برای پیشنهاد راه حل‌های عملی پیرامون این گونه مسائل فراروی شهرها به مجریان و سیاست‌گذاران مبدل گردد.

سیاستگذاران شهری بنا به ماهیت وجودی خود اقدام به تشویق مشارکت‌ها و دخالت‌های مستقیم شهروندان در فرآیندهای سیاستگذاری نموده است. علی‌ایحال بهینه نبودن سیاستهای شهری، برخی از مراکز سیاست‌گذاری شهری را نیز به درک ضرورت و اهمیت مشارکت شهروندان در اداره شهر رسانده است. طی سال‌های اخیر تعدادی پروژه مشارکتی توسط شهرداری‌ها در شهرهای بزرگ ایران هدایت شده‌است که از آن جمله می‌توان به طرح شهردار مدرسه، پروژه شهر سالم، طرح استقبال از بهار، طرح محله سالم و طرح جامع پیشگامان فضای سبز اشاره کرد. اما اجرای این پروژه‌ها نیز مقطعی و غیرنظام‌مند بوده و در شهرداری‌های متوسط و کوچک قابل اجرا نمی‌باشد.

فرآیند سیاستگذاری شهری را می‌توان چرخه‌ای از مراحل تشخیص مشکل و راه‌یابی آن به دستورکار عمومی، راه حل‌یابی، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی دانست. بدین جهت حرکت از پارادایم حکومت به پارادایم حکمرانی را می‌توان لازمه غلبه بر مشکلات شهری امروز، اعم از زیرساخت، مسکن، تامین خدمات، کیفیت محیط‌زیست یا خشونت به شمار آورد. سیاست‌گذاری شهری لاجرم ناگزیر از تعریف سازوکار مناسب برای مذاکره، گفتگو و مشارکت همه طرف‌های درگیر اعم از دولتی، خصوصی و مردمی و در همه مراحل سیاست‌گذاری شهری است. دانش برنامه‌ریزی منطقه‌ای علیرغم افت و خیزهای زیاد در مسیر تکامل نظری و کاربردی، در دهه اخیر برای ارتقاء توانایی و اثرگذاری بر جامعه، بنا بر ماهیت بین‌رشته‌ای آن بر هم‌افزایی با سایر علوم تکیه کرده است. علوم اجتماعی، مدیریت شهری، علوم سیاسی، علوم سیاست‌گذاری، اقتصاد شهری و اخیراً دانش آینده‌پژوهی از جمله علوم هستند که با برنامه‌ریزی منطقه‌ای ارتباط علمی دارند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ذات خود به دنبال افزایش کیفیت زندگی در مناطق براساس ظرفیت‌های درونی است که در یک فرآیند قابل تحقق است که این تعریف از فرآیند برنامه‌ریزی مورد اتفاق نظر اکثر اندیشمندان حوزه برنامه‌ریزی است و دارای مشخصه‌های کلیدی چون فرآیندی بودن، آگاهانه بودن، تأکید بر حل مسائل، تأکید بر اولویت‌بندی، تعیین اهداف و سیاست‌گذاری است. روش آینده‌نگاری یکی از تکنیک‌های جدید برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که با تمرکز بر محدوده سرزمینی خاص، در یک قلمرو جغرافیایی زیرملی با هدف اتخاذ تصمیمات معین جهت تحقق آینده مطلوب عملیاتی می‌گردد. بر این اساس پیاده‌سازی این رویکرد در چارچوب مفهوم توسعه منطقه‌ای می‌تواند کمک قابل توجهی به توسعه کلان شهری در کشور نماید.

فرآیند پیشنهادی برای به روز رسانی فرآیند برنامه‌ریزی به خصوص در کلان‌شهرها و مناطق شهری مبتنی بر رویکرد برنامه‌ریزی هنجاری است که در این فرآیند، شناخت وضع موجود پایه اصلی برنامه‌ریزی است و براساس این شناخت، مسائل کلیدی منطقه برنامه‌ریزی، اعم از توانمندی‌ها، ضعف‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌ها استخراج شده و در مرحله سوم درخصوص مسائل کلیدی منطقه مورد مطالعه، آینده‌نگاری کلی در سطوح جهانی و ملی انجام و به ترسیم چشم‌انداز و تعیین حوزه‌های هدف منتهی می‌گردد.

کلان‌شهرها به علت برخورداری از شبکه‌های پیچیده ارتباطی، مشکلات حوزه‌های مدیریتی، ضعف مدیریت سیستمی، عدم وجود هماهنگی و انسجام کافی میان نهادها، سازمان‌ها و متولیان امور دارای مسائل و مشکلاتی هستند که این مسائل در مدت زیاد و سالیان درازی به وجود آمده‌اند و نمی‌توان انتظار داشت که این مشکلات یک شبه و یک‌روزه حل و فصل گردند.

افزایش فقر در شهرها، دسترسی ناکافی به مسکن و خدمات اصلی شهری، گسترش زاغه‌نشینی و مسکن‌های غیر قانونی، سیستم حمل و نقل ناکافی، بیگانگی شهروندان، رقابت شغلی و اقتصادی نابرابر، نارسایی امکانات اصلی شهر، ویرانی محیط زیست، آلودگی هوا، تراکم جمعیت، ناکافی بودن خدمات بهداشتی اصلی و آب و بحرانه‌های اجتماعی از جمله مواد مخدر و... از چالش‌های پیش روی کلان‌شهرها هستند. مشکلات پیچیده نظیر، معضل ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، پسماندهای دردرساز، بیمارستان‌ها و کارخانه‌ها، ضعف ایمنی شهری و... با یک برنامه‌ریزی استراتژیک و منسجم در حوزه مدیریتی و نگاه سیستمی قابل حل است.

وابستگی متقابل در مسائل کلان‌شهرها که بسیاری از آن‌ها مسائل پیچیده‌ای است باعث می‌شود که عدم رسیدگی به آنها بر تمامی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهر تاثیر می‌گذارد و یکی از علت‌های اساسی گریز شهری و فرار از جوامع شهری و مدرن همین هرج و مرج و پیچیدگی‌های سیستم‌های درون‌شهری است. مدیریت نوین شهری، آموزش مدیران مجرب و کارآزموده را پیشنهاد می‌نماید که این امر نقش سازنده‌ای در بهبود تفکر سیستمی و ارائه برنامه‌های استراتژیک در حوزه مدیریت کلان‌شهرها در پی خواهد داشت.

جهت توسعه پایدار کلان‌شهرها در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، همکاری و هماهنگی نهادها و سازمان‌ها، مشارکت مردمی و مدیریت صحیح و کارآزموده شهری ضروری است. مشارکت مردم محلی و ذینفعان شهری و همچنین برنامه‌ریزی جامع و سیاست‌گذاری منسجم و هماهنگ، به کاستن از مشکلات شهری و رفاه شهروندان کمک زیادی می‌نماید.

جمع‌بندی نهایی از مساله‌شناسی و تحلیل مسائل سیاست‌گذاری شهری در کلان‌شهرهای ایران و سایر مناطق ما را به این موضوع رهنمون می‌نماید که هر کدام از مراکز پرجمعیت و کلان‌شهرها، مسائل و مشکلات ویژه و مخصوص به خود را در اولویت اقدام و بررسی دارند که این مسائل بخصوص، نیازمند تحلیل دقیق و آشکارسازی ابعاد وجودی و لایه‌های پنهانی آن‌ها توسط سیاست‌گذاران شهری محلی و متصدیان امور محلی شهری است که با فوریت یا عدم فوریت در میز دستورکار آن شهر قرارگیرند.

منابع -

Alvani, Seyed Mehdi (2001), Decision Making and Determining Government Policy, samt publishing, Tehran, 2001

Tavassoli, Gholam Abbas (2016), Urban Sociology, Tehran, Sociologists Publishing, First Edition, December 2016

Gholipour, Rahmatollah and Pourahangar, Ebrahim Gholam (2010), Public Policy Process in Iran, Tehran, Research Center of the Islamic Council, First Edition, Winter 1398

Akbar, Parhizkar (1998), Attraction and Access Models in Urban and Regional Planning, No. 8.

Jajromi, Hossein (2010), A Look at Participatory Policy Making in Iran, No. 34, December 2010.

Javaheri, Hassan and Hataminejad, Hossein and Ziari, Keramatollah and Pour Ahmad, Ahmad (2013), Fuzzy approach and multidimensional poverty zoning in urban spaces (Case study of Kamyaran city) Regional Planning Quarterly, Fourth Year, Issue 13.

Heidari, Saman and Fani, Zohreh and Aghaei, Parviz (2015), Assessing the quality of urban life with emphasis on gender, Case study: Qarabagh city.

Hatami Nejad, Hossein and Jahedi, Fatemeh, The position of women's environmental knowledge in sustainable urban development, Year 9, No. 95.

Heidari, Fardin and Zarei, Majid (1397), The concept of the right to the city and its relationship with urban design, citizen-oriented application of comprehensive norms expressing citizen-oriented with qualitative characteristics of urban design, No. 46.

- Hatami Nejad, Hossein and Jaheri, Fatemeh (2009), The position of women's environmental knowledge in sustainable urban development, No. 95
- Dadashpour, Hashem and Alvandbpour, Nina (2017), Conceptual Typology of Justice in Urban Planning Theories in the Framework of an Interdisciplinary Approach, Ninth Volume, No. 2, pp. 1-27.
- Shakoori, Ali and Saeedi, Ali Asghar (2013), Family Poverty and Urban Women (with emphasis on the metropolis of Tehran..)
- Sharifi, Elham and Ghorbannia, Nasser and Rahaei, Saeed and Rai, Massoud and Abedini, Ahmad (2015), A Study of the Rule of Jurisprudential Justice and Its Relationship with Urban Justice in Women's Citizenship Participation, Urban Management Journal, No. 45.
- Rahimi, Akbar and Vaezi, Musa and Mohammadi, Hojjat and Bakuei, Maedeh (2015), Evaluation of Gender Justice in Urban Public Space, Case Study: Tabriz City Center, Journal of Scientific Research, Year 9, Issue 3, Fall 2016.
- Rafieian, Mojtaba and Nastaran, Mahin and Azizpour, Solmaz (2013), Satisfaction assessment of the quality of urban space with respect to gender variables (Case study: Karaj Family Garden), Year 11, Issue 4, Winter 2013, pp. 35-58.
- Rezazadeh, Razieh and Mohadi, Maryam (2010), A Study of Women's Presence in Urban Spaces, Issue 12, Year 6, Winter 2012, Pages 15-26.
- Rezazadeh, Razieh (2010), Urban space, the basis of social justice, the study of barriers and factors of women's participation in public spaces, No. 7.
- Teeyeh, Zahra (2018), A Comparative Study of Effective Methods of Realizing Civil Participation in Urban Policy Making in Iran and France, Public Policy Journal: Fall 2017, No. 3, Volume 3, pp. 123-135.
- Talei, Mohammad and Mesgari, Mohammad Saadi and Sharifi, Ali (2008), Development of a fine-grained spatial algorithm to assess the level of access to urban services, Volume 43, Number 4.
- Fani, Zohreh and Vahedi Yeganeh, Farid (2017), Analysis of Individual-Social Quality of Life Indicators in Urban Spaces with Emphasis on Gender (Case Study: Sanandaj City), Human Settlement Planning Studies, Twelfth Year, No. 38, Spring 1396, pp. 83-102.
- Grossi, Saeed and Shams al-Dini Motlagh, Mohammad Hassan (2013), Perception of social justice in terms of citizens' access to urban services (Case study: the city of Kerman), third year, ninth issue, pages 41-66.
- Lotfi, Sedigheh and Manouchehri Miandoab, Ayub and Ahar, Hassan and Saleki Mohammad Ali (2012), Measuring the level of access to urban facilities using fuzzy logic, case study: Tabriz, No. 3.
- Mousavi, Yaghoob and Samadi, Ali (1397), Analysis of social and economic inequality in access and use of urban public spaces (Case study: Tehran), eighth year, number twenty-sixth.
- Malek Mohammadi, Hamid Reza (2010), An Introduction to Recognizing the Optimal Triangle in New Urban Policy, No. 16, from 289 to 298.
- Movahed, Ali and Vali Nouri, Saman (1396), Analysis of Urban Poverty Dynamics in Tehran Metropolis, Scientific-Research Quarterly, Year 15, No. 55.
- Moslemi Mehni, Yousef (2015), Urban Policy in Iran: Presenting an Applied Model (Case Study of Kerman Metropolis), Quarterly Journal of Politics, Volume 48, Number 1, Spring 1397, pp. 145-155.
- Mousavi, Yaghoob and Samadi, Ali (1397), Analysis of social and economic inequality in access and use of urban public spaces (case study of Tehran), eighth year, number twenty-ninth.
- Malek Mohammadi, Hamidreza (2006), Policy Making: Knowledge and Method, Winter 2006, No. 1, pp. 177-190- Nouri, Alireza and Nedayi Tusi, Sahar (2016), Integrated evaluation of spatial justice in access to basic urban facilities by multi-criteria evaluation of spatial criteria: Ardabil.
- Vahid, Majid (2008), Tehran in the Mirror of Urban Policy, Politics Quarterly, Volume 38, Number 4, Winter 2008, Pages 279-297.
- Bunds,m.(2004),urban social thory (city , self and society) , new York : oxford univer sity press.
- Charles L. Cochran and Eloise F. Malone(2014) Public Policy: Perspectives and Choices, Copyright © 2014 ISBN: 978-1-62637-075-3 pb, 1800 30th Street, Suite 314 Boulder, CO 80301 USA telephone 303.444.6684 fax 303.444.0824.
- Fisher, Frank(2007) Handbook of Public Policy Analysis Theory, Politics, and Methods, Edited by Frank Fischer Rutgers University Newark, New Jersey, U.S.A. Gerald J. Miller Rutgers University Newark, New Jersey, U.S.A. Mara S. Sidney Rutgers University Newark, New Jersey, U.S.A. © 2007 by Taylor & Francis Group, LLC CRC Press is an imprint of Taylor & Francis Group, an Informa

business, CRC Press Taylor & Francis Group 6000 Broken Sound Parkway NW, Suite 300 Boca Raton, FL 33487-2742.

Fact Sheet, Gender Equality and Sustainable Urbanisation , WomenWatch: Gender Equality and Sustainable Urbanisation fact sheet.

Joan, Clos (2017) NATIONAL URBAN POLICIES. POLICY PAPER 3: United Nations all rights reserved worldwide.

Melissa Mackay. Understanding and Applying Basic Public Policy Concepts. University of Guelph Louise Shaxton, Delta Partnership.

Ministry for regional development of the Czech republic, 2010.

PARYSEK, J. J (2010). URBAN POLICY IN THE CONTEXT OF CONTEMPORARY URBANISATION PROCESSES AND DEVELOPMENT ISSUES OF POLISH CITIES. Journal of Urban and Regional Analysis, 2, 33-44.

Madani, Pours, A (2000). Urban spatial design , attitude to spatial social process. Farhad Mortazai , Tehran , urban planning and processing company.

S. B. M. Marume, Public Policy and Factors Influencing Public Policy, International Journal of Engineering Science Invention ISSN (Online): 2319 – 6734, ISSN (Print): 2319 – 6726 www.ijesi.org ||Volume 5 Issue 6|| June 2016 || PP.06-14.

Sabah, Faihan (2014) Urban Policy In Iraq For The Period 1970-2012, Evaluation Study , Journal of Advanced Social Research Vol.4 No.3, March 2014, 5876.